Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۹۲۹
سه‌شنبه / ۷ بهمن / ۱۴۰۴
۷ / شعبان / ۱۴۴۷
27 / January / 2026

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بافرد حیدری
نشانی: کرج، بلوار کاوین، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸
چاپ: کارگر

فال ۲۷۲ امروز با حافظ

در مقامات طریقت هر کجا کردیم سیر
عافیت را با اقتدارازی فراق افتاده بود
ساقیا جام دمادم ده که در سیر طریق
هر که عاشق‌وش نیامد در اتفاق افتاده بود

غزل

وهم تا کی شمرد سال و مه فرصت کار
شیشه ساعت موهوم حباب است اینجا

بیدل دهلوی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۴۲	۰۷:۰۹	۱۲:۱۹	۱۷:۲۹	۱۷:۴۸

برگه

ما برای ادامه دادن هیچ کسی را نداریم جز خودمان و این کافی است...

چارلز بوکوفسکی

گزارش روز

ناخودآگاه ترامپ به دنبال جنگ است یا صلح؟

وقتی سیاست‌مداری هم‌زمان از صلح سخن می‌گوید و دستور اقدام نظامی می‌دهد، مسئله فقط سیاست نیست؛ پای روان انسان در میان است. شخصیت دونالد ترامپ را نمی‌توان تنها با تحلیل‌های سیاسی فهمید، بلکه باید آن را در آیته روان‌شناسی شخصیت و روان‌کاوی مدرن بررسی کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، شخصیت دونالد ترامپ، چه در دوران ریاست‌جمهوری و چه پس از آن، همواره یکی از بحث‌برانگیزترین سوژه‌ها برای تحلیل‌گران بوده است. او بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش خود را «رئیس‌جمهور صلح» معرفی کرده، از پایان دادن به جنگ‌ها سخن گفته و حتی مدعی شده که اگر در قدرت بود، بسیاری از بحران‌های جهانی هرگز رخ نمی‌داد.

با این حال، کارنامه عملی ترامپ شامل افزایش بودجه نظامی آمریکا، تشدید تحریم‌ها، ترورها و رویایش‌های هدفمند، خروج از توافق‌های بین‌المللی و استفاده مکرر از زبان تهدید است. این تضاد آشکار میان گفتار و کردار، پرسشی اساسی را پیش می‌کشد: از منظر روان‌شناسی و روان‌کاوی، ترامپ تا چه اندازه به صلح علاقه دارد و تا چه حد به متعلق جنگ گرایش نشان می‌دهد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید از چارچوب‌های علمی شناخته‌شده در روان‌شناسی شخصیت استفاده کرد. نه داوری‌های سیاسی یا اخلاقی. یکی از پرکاربردترین مدل‌ها در این زمینه، مدل «پنج عامل بزرگ شخصیت» (Big Five) است. اغلب پژوهش‌هایی که بر اساس تحلیل گفتار، رفتار عمومی و تصمیم‌های سیاسی ترامپ انجام شده‌اند، او را فردی با برون‌گرایی بسیار بالا، توافق‌پذیری پایین، روان‌رنجوری متوسط رو به بالا و وظیفه‌شناسی نوسانی توصیف می‌کنند. برون‌گرایی بالا به معنای نیاز شدید به دیده‌شدن، تسلط بر فضا و تأثیرگذاری است؛ ویژگی‌ای که می‌تواند توضیح دهد چرا ترامپ از نمایش قدرت، تهدید لفظی و رفتارهای نمایشی در سیاست خارجی لذت می‌برد. در مقابل، توافق‌پذیری پایین معمولاً با رقابت‌جویی، بی‌اعتمادی و تمایل به تقابل همراه است، نه مصالحه‌پایدار.

از منظر روان‌کاوی کلاسیک، بسیاری از تحلیل‌گران به عناصر «خودشیفتگی» در شخصیت ترامپ اشاره کرده‌اند. خودشیفتگی در معنای بالینی الزاماً به معنای بیماری نیست، بلکه الگویی شخصیتی است که با احساس عظمت، نیاز به تحسین و حساسیت شدید به انتقاد شناخته می‌شود. فرد خودشیفته معمولاً صلح را نه به‌عنوان یک ارزش انسانی پایدار، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تأیید خود می‌بیند. وقتی ترامپ از صلح سخن می‌گوید، این صلح اغلب در چارچوب «صلح از موضع قدرت» تعریف می‌شود؛ یعنی وضعیتی که در آن طرف مقابل باید برتری او را بپذیرد. در چنین الگویی، جنگ نیز نه امری مذموم، بلکه ابزاری مشروع برای بازگرداندن حس کنترل و برتری تلقی می‌شود.

در روان‌شناسی سیاسی، مفهوم مهم دیگری وجود دارد: «جهان‌بینی صفر-جمع». افراد دارای این جهان‌بینی، روابط بین‌الملل را مانند یک معامله تجاری می‌بینند که در آن سود یک طرف الزاماً به زیان طرف دیگر است. ترامپ که پیشینه‌ای طولانی در دنیای تجارت دارد، بارها سیاست خارجی را با زبان معامله، برد و باخت، و «برنده شدن» توصیف کرده است. در این چارچوب ذهنی، صلح تنها زمانی مطلوب است که آمریکا «برنده» باشد و هزینه‌ای نپردازد. اگر چنین صلحی ممکن نباشد، فشار حداکثری، تهدید نظامی یا حتی اقدام نظامی محدود، از نظر روانی برای او قابل توجیه است.

نکته مهم دیگر، تمایز میان «نفرت از جنگ» و «نفرت از هزینه جنگ» است. شواهد رفتاری نشان می‌دهد که ترامپ بیش از آنکه با اصل خشونت نظامی مسئله داشته باشد، با جنگ‌های طولانی، پرهزینه و فرسایشی مخالف است؛ جنگ‌هایی که دستاورد نمادین سریع ندارند و محبوبیت داخلی را کاهش می‌دهند. از این منظر، علاقه او به خروج از برخی جنگ‌ها (مانند افغانستان) لزوماً ناشی از صلح‌طلبی اخلاقی نیست، بلکه با محاسبه روان‌شناختی هزینه–فایده و تأثیر آن بر تصویر شخصی‌اش مرتبط است.

همچنین باید به نقش هیجان و تکانشگری توجه کرد. بسیاری از تصمیم‌ها و اظهارنظرهای ترامپ، به‌ویژه در سیاست خارجی، واکنشی، احساسی و وابسته به بازخورد فوری رسانه‌ای بوده‌اند. تکانشگری بالا معمولاً با تمایل به تصمیم‌های پرریسک همراه است؛ تصمیم‌هایی که می‌توانند هم به کاهش تنش منجر شوند و هم به تشدید ناگهانی بحران. این ویژگی باعث می‌شود که رفتار ترامپ نه کاملاً جنگ‌طلبانه و نه واقعاً صلح‌طلبانه، بلکه ناپایدار و پیش‌بینی‌ناپذیر به نظر برسد.

در جمع‌بندی، از منظر علمی و روان‌شناختی، دونالد ترامپ را نمی‌توان یک صلح‌طلب کلاسیک دانست. همان‌طور که نمی‌توان او را جنگ‌طلب ایدئولوژیک به سبک رهبران نظامی‌گرا توصیف کرد. او بیش از هر چیز، «خودمحور قدرت‌گرا» است؛ فردی که صلح و جنگ را نه بر اساس اصول ثابت اخلاقی، بلکه بر اساس نیازهای روانی، تصویر ذهنی از خود، و متطلق برتری و معامله ارزیابی می‌کند. صلح برای ترامپ مطلوب است، اگر صحنه‌ای برای نمایش پیروزی باشد؛ و جنگ قابل قبول است، اگر سریع، نمایشی و کم‌هزینه به نظر برسد. همین متطلق روان‌شناختی است که تضاد میان گفتار صلح‌جویانه و کنش نظامی او را توضیح‌پذیر می‌کند.

برش

چرا پلتفرم‌های داخلی جای پلتفرم‌های بین‌المللی را نگرفت؟

اختلال ناگزیر اینترنت در پی نارآرامی‌های اخیر، یک چالش اساسی دیگر را نیز به رخ کشید: شوک اقتصادی به کسب‌وکارهایی که مستقیم یا غیرمستقیم حیات خود را به اتصال دیجیتال گره زده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، اختلال ناگزیر اینترنت در پی نارآرامی‌های اخیر، یک چالش اساسی دیگر را نیز به رخ کشید: شوک اقتصادی به کسب‌وکارهایی که مستقیم یا غیرمستقیم حیات خود را به اتصال دیجیتال گره زده‌اند. نگرانی اصلی اما از جایی آب می‌خورد که با وجود تکرار این تجربه در سال‌های گذشته، هنوز هیچ سازوکار جایگزین عملیاتی و قابل اعتمادی برای مهار تبعات اقتصادی چنین وقایعی اندیشیده نشده است.

کسب‌وکارهای مجازی حتی بر بسترهای داخلی نیز به طور کامل بارگذاری نشده‌اند و در عمل، راهکاری دقیق و نتیجه‌بخش برای حل معضل کاربران و فعالان اقتصادی در روزهای قطعی و اختلال اینترنت وجود ندارد. اگرچه هنوز آمار دقیقی از میزان خسارت وارد شده در این دوره منتشر نشده، اما این تجربه بار دیگر ثابت کرد که اقتصاد بخش‌های وسیعی از جامعه، از خرد تا کلان، تا چه حد به اینترنت وابسته است.

اینترنت امروز دیگر یک مؤلفه فناورانه صرف نیست؛ بلکه شریان اصلی یک اکوسیستم اقتصادی پیچیده است. به جهت واکاوی ابعاد این مسأله، با علی توسلی، دبیر کمیسیون اینترنت سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران و حمید بهزادی‌پور، فعال حوزه اینترنت و کسب‌وکارهای مجازی گفت‌وگو کرده‌ایم.

از بحران اعتماد تا ناکامی عملی

علی توسلی، دبیر کمیسیون اینترنت کشور بیان کرد: «بعید است طرف خارجی روی پیامرسان‌های داخلی حسابی باز کرده باشد و اینکه در شرایط خاص اینترنت ملی هم قطع می‌شود، تعجب‌آور است». او با اشاره به تجربه کشورهایی مانند چین در مدیریت فضای دیجیتال گفت: «چینی‌ها و روس‌ها از ابتدا نگذاشتند چنین وضعیتی پیش آید.

آنها در زمان مناسب، اپلیکیشن‌های مناسب و جذاب داخلی را جایگزین کردند. مثال بارز آن «وی‌چت» است.» توسلی با هشدار دیرهنگام بودن این جایگزینی در ایران افزود: «من ۱۲ سال قبل هشدار دادم وقتی یک شهروند در اپلیکیشن خارجی عضو می‌شود، ورود او به اپلیکیشن داخلی دشوار می‌شود.» وی به سرمایه‌گذاری‌های نفوذ گذشته اشاره و راه‌اندازی پیامرسان‌هایی مانند «رویکا»، «بله» و «ایتا» را اقدامی در مسیر درست، اما ناکافی ارزیابی کرد و گفت: «در همین فاصله، اتفاقی که افتاد، از دست رفتن اعتماد و مرجعیت رسانه‌ای داخلی و انتقال آن به پلتفرم‌های خارجی بود.

موتورهای جست‌وجوی داخلی غول‌های گمنام

توسلی در عین حال تأکید کرد: «از نظر زیرساخت فیزیکی و نرم‌افزاری، ایران مشکل چندانی ندارد و شبکه داخلی به‌روز است.» اما پرسش کلیدی او اینجاست: «با توجه به اینکه پیامرسان‌های داخلی آنقدر خطری نداشتند، چرا در مواقع خاص بسته شدند؟ حتی همین الان گروه‌های «ایتا» مشکل دارند.»

او درباره «اینترنت ملی» گفت: «آنچه تحت این عنوان مطرح می‌شود کاملاً قابل ارائه سرویس است و از لحاظ امنیتی هم قابل کنترل به نظر می‌رسد. اینکه چرا در شرایط خاص اینترنت ملی هم قطع می‌شود، تعجب‌آور است.»

دبیر کمیسیون اینترنت در نقد موتورهای جست‌وجوی داخلی نیز گفت: «این موتورها گمنام هستند. وقتی ۲۰ سال است مردم از گوگل استفاده می‌کنند، دلیلی برای تغییر عادت خود نمی‌بینند. در این چند روز هم گفته می‌شد برخی سایت‌های داخلی باز هستند، اما پرسش اینجاست: چه کسی از آنها استفاده می‌کند؟ به نظر یک خطای دیدگاهی در این زمینه وجود دارد. بعید است بتوان موتور جست‌وجویی در حد گوگل طراحی کرد.»

کسب‌وکارها در تاریکی؛ از معماران تا صرافی‌های ارز دیجیتال

توسلی در پاسخ به این پرسش که کسب‌وکارهای مجازی در این شرایط چه راهی دارند، آنها را دسته‌بندی کرد و گفت: «بخشی مانند مراکز تحقیقاتی یا فنی که به نقشه‌های برخط یا داده‌های زنده وابسته‌اند، باید از قبل شناسایی و در مواقع نیاز به آنها «ای‌پی» اختصاصی داده شود.» او افزود: «متأسفانه کسب‌وکارهایی که نان و آبشان از اینترنت جهانی می‌آید، در زمان قطعی هیچ راه‌حلی ندارند. اینها حتی اگر اینترنت داشته باشند، مشتری‌ای که اینترنت ندارد، نمی‌تواند به آنها مراجعه کند.»

حمید بهزادی‌پور، فعال حوزه اینترنت و کسب‌وکارهای مجازی نیز با تأیید این موضوع گفت: «از نظر فنی امکان وصل کردن اینترنت برای فعالان اقتصادی وجود دارد. اما وقتی مردم اینترنت ندارند، این اتصال چه فایده‌ای دارد؟ مخاطب این کسب‌وکارها که قطع شده است.»

بهزادی‌پور با برشمردن دامنه آسیب‌ها گفت: «صرافی‌های مبتنی بر رمزارز در عمل تعطیل می‌شوند. شرکت‌های تولید نرم‌افزار و سایت به ابزارهای برخط خارجی دسترسی ندارند. حتی معمارها برای کار با نرم‌افزارهای تخصصی معماری بیکار می‌مانند. ربات‌های صنعتی و دوربین‌های نقشه‌برداری پیشرفته که نیاز به اتصال دارند، از کار افتاده‌اند.» او از تلاش‌های بی‌ثمر صنفی در سال‌های گذشته خبر داد و افزود: «پس از سال ۹۸، پیشنهاد شد سامانه‌ای ایجاد شود تا کسب‌وکارها «ای‌پی» خود را ثبت کنند تا در مواقع بحران قطع نشود. این سامانه هم ایجاد شد، اما بعد از آن خبری نشد و پیگیری‌ها به جایی نرسید.»

بهزادی‌پور در پایان تأکید کرد: «هیچ راهکار میانبری در شرایط قطع اینترنت وجود ندارد. در تئوری می‌توان حرف زد و گفت که سرویس‌ها را در ایران بارگذاری کنیم که وقتی اینترنت بین‌الملل قطع می‌شود، مورد استفاده باشند.»

هزینه سنگین نبود نقشه جایگزین

تجربه قطعی اینترنت، یک درس واضح دارد: اقتصاد ایران به‌طور فزاینده‌ای دیجیتالی و وابسته به اتصال جهانی شده است. در چنین شرایطی، فقدان یک «نقشه راه اضطراری» برای تداوم حداقلی فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند آثار زیان‌باری داشته باشد.

صحبت‌های کارشناسان نشان می‌دهد مسأله تنها فیلترینگ یا قطعی نیست، بلکه «مدیریت بحران» در فضای دیجیتال است. آیا راه حل، صرفاً سرمایه‌گذاری بیشتر روی پلتفرم‌های داخلی است؟ تجربه پیامرسان‌های داخلی که آنها هم در بحران دچار اختلال شدند و اقبال محدود کاربران به موتورهای جست‌وجوی داخلی، پاسخ منفی به این پرسش را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد، حل این معضل نیازمند اجماعی بر سر اولویت‌بندی‌های اقتصادی در زمان بحران، شفاف‌سازی معیارهای قطعی و ایجاد سازوکارهای شفاف برای اتصال حداقلی بخش‌های حیاتی اقتصاد است. بدون چنین اجماع و برنامه عملیاتی روشنی، اقتصاد دیجیتال کشور در معرض توقف و زیانی غیرقابل محاسبه قرار گیرد. هزینه‌ای که در نهایت شهروندان عادی و صاحبان کسب‌وکارها را در مباحث اقتصادی و به خصوص کسب و کارهای مرتبط با بخش دیجیتال متضرر می‌کند.

اشاره

صف میلیونی، منابع ناچیز

درحالی که وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت از خانواده‌ها تبدیل شده، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد این تسهیلات برای نخستین‌بار به‌طور کامل از متن بودجه حذف شده‌اند؛ موضوعی که نگرانی جدی متقاضیان و نمایندگان مجلس را برانگیخته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، بر اساس رویه سال‌های گذشته، هر سال در قوانین بودجه، هم سقف کلی تسهیلات تکلیفی و هم مبالغ انفرادی وام‌های ازدواج، فرزندآوری و اشتغال مشخص می‌شد اما در لایحه بودجه ۱۴۰۵، هیچ عدد و حکمی در این باره دیده نمی‌شود. البته نمایندگان مجلس اعلام کردند در لایحه بودجه ارقام وام ازدواج و فرزندآوری اضافه می‌کنند. این در حالی است که روابط عمومی بانک مرکزی به‌صورت رسمی اعلام کرده پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری در سال آینده ادامه خواهد داشت و سقف کلی آن متناسب با توان شبکه بانکی تعیین می‌شود. با وجود این اظهارات، خلأ قانونی موجود باعث شده این پرسش جدی مطرح شود که آیا بدون تصریح در قانون بودجه، ادامه پرداخت این تسهیلات تضمین شده است یا خیر؟ مطابق تبصره (۳) ماده (۷۲) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، پرداخت تسهیلات بانکی ازدواج و فرزندآوری در سال متوسط به درج در قوانین بودجه سنواتی است به بیان ساده، دولت از منظر حقوقی این اختیار را دارد که با حذف این ردیف‌ها از بودجه، پرداخت وام‌ها را متوقف کند. از همین رو، کارشناسان تأکید دارند اگر دولت و بانک مرکزی واقعاً قصد تداوم این سیاست حمایتی را دارند، باید ارقام مربوطه به‌طور شفاف در قانون بودجه ۱۴۰۵ درج و به تصویب مجلس برسد. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد شبکه بانکی در سال‌های اخیر، در چارچوب ارقام مصوب قانونی، عملکرد نسبتاً مناسبی در پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری داشته است. با این حال، مشکل اصلی نه در اجرای قانون، بلکه در ناکافی بودن سقف‌های تعیین‌شده نهفته است. در قانون بودجه ۱۴۰۴، سقف کلی تسهیلات ازدواج و فرزندآوری ۲۷۰ هزار میلیارد تومان تعیین شد رقمی که به گفته کارشناسان از همان ابتدا با حجم تقاضا همخوانی نداشت؛ نتیجه این تصمیم، شکل‌گیری صفی بیش از یک میلیون نفری تا پایان آذرماه ۱۴۰۴ بود؛ صفی که نارضایتی گسترده متقاضیان را به دنبال داشت. این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌تر پیشنهاد داده بود سقف این تسهیلات در سال ۱۴۰۴ به ۴۰۰ همت افزایش یابد؛ پیشنهادی که در صورت تصویب، می‌توانست بخش عمده صف متقاضیان را از بین ببرد. اما این پیشنهاد نادیده گرفته شد و فشار تقاضا بر شبکه بانکی افزایش یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد حتی با لبالب ماندن مبالغ انفرادی وام‌ها، تنها برای از بین بردن صف موجود تا پایان آذر ۱۴۰۴، بیش از ۳۲۰ همت منابع مالی نیاز است. این رقم به‌روشنی نشان می‌دهد که ادامه سیاست‌های فعلی، بدون اصلاح سقف‌های بودجه‌ای، به تداوم یا حتی تشدید صف‌های طولانی منجر خواهد شد. در این میان، برآورد واقع‌بینانه از توان تسهیلات‌دهی قرض‌الحسنه شبکه بانکی اهمیت ویژه‌ای دارد. محاسبات کارشناسی نشان می‌دهد مجموع منابع قابل تخصیص شبکه بانکی برای تسهیلات قرض‌الحسنه در سال ۱۴۰۵ حدود ۵۸۵ هزار میلیارد تومان است. این رقم شامل منابع حاصل از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری، پس از کسر ذخایر قانونی و محدودیت‌های عملیاتی بانک‌هاست. بر همین اساس، مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد می‌کند مبالغ انفرادی وام‌های ازدواج و فرزندآوری در سال ۱۴۰۵ بدون تغییر و در سطح سال ۱۴۰۴ باقی بماند اما سقف کلی تسهیلات تکلیفی افزایش یابد. پیشنهاد مشخص، تخصیص ۴۸۵ همت برای وام‌های ازدواج و فرزندآوری و ۱۰۰ همت برای تسهیلات اشتغال است؛ رقمی که در مجموع به همان ۵۸۵ همت می‌رسد. به‌صورت خوشبینانه، اجرای این سناریو می‌تواند صف متقاضیان را تا پایان سال ۱۴۰۵ به حدود نصف، یعنی نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر کاهش دهد.